

**اشاره:** پیش از این در سال ۱۳۸۷ ترجمه ای از کتاب *Aristotle Posterior Analytics* اثر جانانان بارنز، با عنوان تحلیل ثانوی ارسطو به قلم آقای علی رضا فرح بخش از سوی نشر رهنما روانه بازار شد. نوشتار حاضر نقدی بر ترجمه یاد شده است. کتاب ماه فلسفه

### ضرورت ترجمه تحلیل پسین ارسطو:

بارنز که از ارسطو شناسان بنام معاصر است، در کتاب خود ترجمه ای بسیار دقیق از عبارات یونانی کتاب برهان ارسطو به دست داده، با رجوع به منابع بسیار، حتی الامکان با ابزارهای منطقی جدید، به تحلیل و شرح تفصیلی آن پرداخته و گاه به نقد آن نیز همت گماشته است.

اهمیت این ترجمه مبنایی روشن تر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد؛ با وجود این، می توان مثلاً به این اشاره کرد که این کتاب مفصل ترین شرحی است که به قلم توانای ارسطو شناس برجسته معاصر بر مهم ترین و دشوارترین کتاب منطقی ارسطو نوشته شده است. منطقی که در طی قرن ها بسیاری از فیلسوفان تحت سیطره آن بوده و هستند.

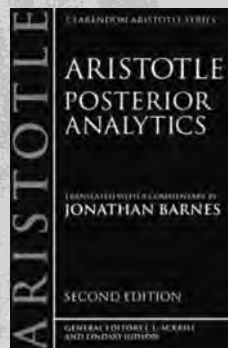
می دانیم که فلسفه هایی چون فلسفه ارسطویی و فلسفه اسلامی تا اندازه زیادی در پارادایم میناگروی طرح شده اند. دو امر مهمی که شالوده چنین فلسفه ای را می سازد و فرض بر این است که نهایت کار هر فیلسوفی باید بدان بیانجامد عبارت است از تسلط در ۱. ماده اندیشه و ۲. صورت اندیشه، تا او کاخ دانش خود را بنا کند. اولی همان مباحث معرفت شناختی و دومی همان منطق است. هم چنین، می دانیم که مهم ترین بخش منطق را نظریه برهان دانسته اند و دیگر بخش های منطق را به عنوان مقدمه ای برای رسیدن به آن. از سوی دیگر، امروزه تأمل ژرف پیرامون منطق را فلسفه منطق بر عهده گرفته است.

در چند دهه اخیر در غرب کتب مستقلی پیرامون فلسفه منطق و معرفت شناسی به نگارش درآمده اند و زیرشاخه جدیدی از دانش پدید آمده است. حتی مباحث اصلی مطرح شده در این کتب خود به صورت کتبی مستقل درآمده اند. در جهان اسلام گرچه مباحث فلسفی بسیاری پیرامون منطق و معرفت شناسی در لابه لای کتب منطقی و فلسفی می توان پیدا کرد، هنوز حتی یک کتاب مستقل که مباحث پراکنده فلسفه منطق را یکجا گرد آورد، تدوین نشده

# ترجمه تحلیل ثانوی ارسطو: در بوته نقد

مهدی اسدی

تحلیل ثانوی ارسطو، جانانان بارنز، ترجمه علی رضا فرح بخش، تهران: نشر رهنما، ۱۳۸۷.



## این کتاب مفصل‌ترین شرحی است که به قلم توانای ارسطو شناس برجسته معاصر بر مهم‌ترین و دشوارترین کتاب منطقی ارسطو نوشته شده است.

مقاطع تحصیلات تکمیلی و اساتید و مؤسسه‌های پژوهشی، ترجمه این شرح هم‌چنین می‌تواند به‌عنوان کتابی درسی و کمک‌درسی در درس منطق قدیم در مقاطع تحصیلات تکمیلی مورد استفاده دانشجویان و اساتید قرار گیرد. این‌جا نیز اهمیت این کتاب هنگامی آشکارتر خواهد بود که در نظر آوریم که کسانی که در این کشور در قلمروی منطق قدیم، و به‌ویژه ارسطو، به معنای آکادمیک کلمه مسلط باشند کم‌یاب‌اند، اگر نگوییم نایاب‌اند.

### الف. سنجش ترجمه موجود:

این‌جانب که علاقه وافری به شناخت‌شناسی و فلسفه منطق دارد، به اقتضای علاقه و پایان‌نامه خود در دانشگاه تهران که درگیر نظرات ارسطو، فارابی و ابن‌سینا پیرامون «چیستی و ملاک بدهات» بودم، ناگزیر از تسلط بر این کتاب شدم، ولی متأسفانه ترجمه فارسی را پر از اشتباه یافتیم.

تحلیل پسین مهم‌ترین و دشوارترین کتاب منطقی ارسطو، انباشته از مباحث معرفت‌شناختی، منطقی و فلسفه منطق است. کسی که در حد لزوم در این زمینه‌ها ورود نداشته باشد، از فهم کتاب بارنز ناتوان گشته، به هیچ روی نخواهد توانست آن‌را به زبانی دیگر برگرداند، هرچند زبان انگلیسی را نیز بداند. به هر روی، مترجم محترم که دکترای زبان انگلیسی داشته، استادیار دانشگاه گیلان است، نه تنها با فلسفه و منطق آشنایی ندارد، حتی زحمت جست‌وجوی اینترنتی کتب ترجمه شده ارسطو را نیز به خود نداده، می‌گوید: «متأسفانه به رغم شهرت ارسطو در جهان اندیشه‌های این فیلسوف، در کشور ما به صورت دست دوم ارائه شده و هنوز آثارش به صورت منسجم و جامع ترجمه نشده‌است... از مجموعه آثار ارسطو در ایران شاید تنها ۲ یا ۳ عنوان آن ترجمه شده که گاه حتی عنوان آثار ارسطو هم در ایران بدرستی ترجمه نشده است. من در این خصوص ناگزیر از تحقیق بودم که بهترین عنوان را برای آن انتخاب و در مواردی خودم عناوینی را پیشنهاد کرده‌ام.»<sup>۱</sup>

در حالی که همه می‌دانیم که در طول قرن‌ها پایان کار ارسطو آغاز کار فیلسوفان مسلمان بوده است. هم‌چنین، بسیاری از آثار ارسطو به فارسی نیز موجود است.<sup>۲</sup>

به هر روی، اینک گوشه‌ای ناچیز از نقدهای خویش بر این ترجمه را پیش می‌نهمیم:

است و در معرفت‌شناسی نیز گام‌های ابتدایی در حال برداشته شدن است.

پس اینک اگر این نکته را هم در نظر آوریم که چنین فیلسوفانی در آثار خود مستقلاً به معرفت‌شناسی و فلسفه منطق پرداخته‌اند و این آرایش به‌تبع ارسطو بیش‌تر در کتاب برهان گرد آمده است، بی‌درنگ متنبه خواهیم شد که هر دانش‌جو و استادی که دل‌نگران تعلیم و پژوهش در قلمروی این فیلسوفان، و به‌ویژه معرفت‌شناسی و فلسفه منطق آنان است، بی‌دانستن برهان از پوسته به مغز نرسیده است.

از این‌جا بی‌درنگ نتیجه می‌شود که ضرورت این ترجمه هم‌چنین در این است که معرفت‌شناسی و فلسفه منطق برای فلاسفه مسلمان مسئله‌ای نو است و مشخص کردن نظر آنان در این موارد بیش‌تر در گرو روشن شدن بحث‌هایی است که عمدتاً در کتاب برهان پراکنده‌اند و می‌دانیم که آن‌ها، وحتى همه میناگرایان، تا حد زیادی در این موارد وام‌دار ارسطو هستند. پس نظر او در این مورد باید مشخص گردد. بنابر این، گریز و گزیری از رجوع به شرح مفصل بارنز نیست.

بدین ترتیب روشن است که پس از درک نظریه برهان ارسطو است که می‌توان با مطالعه تاریخی آراء، که اهمیت آن در فلسفه بر صاحب‌نظران پوشیده نیست، نظرات اندیشمندان مسلمان را بیرون کشید و راه را برای بحث‌های تطبیقی با معرفت‌شناسی و فلسفه منطق، که اکنون در کانون فلسفه غرب‌اند، هموار کرد. بدیهی است که بدون این کار و بی‌رسیدن به تاریخچه و مرزهای این دو دانش تولید علم در آن‌ها، که اکنون وظیفه اصلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اساتید است، حاصل‌چندانی نخواهد داشت. بنابراین، برای آغاز کارهای تخصصی در این زمینه‌ها در جهان اسلام، کاملاً ضروری است که این مباحث پراکنده از ارسطو تا عصر حاضر یک‌جا گردآوری و مقایسه شده و با نقد و پخته‌تر کردن آنها این شاخه دانش در مسیر تکاپو و تولید علم قرار گیرد.

این کتاب هم‌چنین فهم ما را از منطق‌دانان مسلمان، به‌ویژه ابن‌سینا که صاحب دقیق‌ترین و مفصل‌ترین کتاب برهان در جهان اسلام است، دقیق‌تر و کامل‌تر خواهد کرد.

در پایان تذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که با وجود ضرورت مبنایی این برگردان و اهمیت فراوان پژوهشی آن برای

این کتاب هم‌چنین فهم ما را از منطق‌دانان مسلمان، به‌ویژه ابن‌سینا که صاحب دقیق‌ترین و مفصل‌ترین کتاب برهان در جهان اسلام است، دقیق‌تر و کامل‌تر خواهد کرد.

## Aristoteles



- valid argument forms / ترکیبات معتبر مباحثه‌ای (ص ۹) / صور استدلالی معتبر
- modal syllogism / قیاس من وجه (ص ۱۰) / قیاس وجهی
- necessarily / به اجبار (ص ۱۰) / ضرورتا
- rhetorical / مباحث بیانی (ص ۲۲) / خطابی
- deduction / استقراء (ص ۲۳) / قیاس
- sophistical / پیچیده (ص ۲۴) / سوفیستی
- dialectical / مباحثه‌ای (ص ۲۵) / جدلی
- prime / خالص (ص ۳۰) / [عدد] اول
- substances / مواد (ص ۳۰) / جوهرها
- as such / همان‌گونه‌که هست (ص ۳۱) / بماهو
- arbitrary / قراردادی (ص ۳۱) / دلخواهی
- sophists / صوفی‌ها (ص ۳۴) / سوفسطایی‌ها
- unexplainable explanations / توضیح‌ناشدنی (ص ۴۰) / تبیین‌های تبیین‌ناپذیر
- irrational (در بحث هندسه و ریاضیات) / غیر منطقی (ص ۴۱) / گنگ و اصم
- simpliciter / واقعا (ص ۵۲) / به‌گونه‌ای مطلق /
- major extreme / منتهی‌الیه عمده (ص ۵۵) / حد اکبر
- perception / ادراک (ص ۵۷) / ادراک حسی یا قوه‌ی حسی
- without having perception / بدون تشخیص (ص ۵۵) / بدون داشتن حس
- reputable proposition / گزاره‌ای معتبر (ص ۸۵) / مقدمه‌ی مشهور
- essential predications / حمل‌های اصلی (ص ۱۲۷) / حمل‌های ذاتی
- difference / تفریق (ص ۶۴) / فصل
- opposition / تضاد (ص ۱۶۵) / تقابل
- universal and existential / جهانی و وجودی (ص ۱۴۰) / کلی و وجودی
- premiss / فرضیه (ص ۱۳۸) / مقدمه
- sceptical / بدبینانه (ص ۱۷۴) / شکاکانه
- transitive / تبدیلی (ص ۱۸۲) / متعدی و گذرا

۱. مترجم محترم پیش‌گفتارهای بارنز (p. v-vii) را به فارسی برگردانده، پیوست‌های «واژه‌نامه‌ی انگلیسی-یونانی» و «نمایه» و پاورقی‌های یونانی و... را حذف کرده است!
۲. مترجم محترم بسیاری از واژه‌های تخصصی را اشتباه یا خلاف آنچه رایج می‌باشد، برگردانده است. به عنوان نمونه:
  - demonstration / استدلال (ص ۱) / برهان
  - scientific methodology / سیاقی علمی (ص ۱) / روش‌شناسی علمی
  - axiomatic / اصولی (ص ۴) / اصل متعارفی یا اصل موضوعی (بسته به متنی که در آن به کار می‌رود)
  - formal logic / منطق ساختاری (ص ۶) / منطق صوری
  - extremes / حدهای منتهی‌الیه (ص ۹) / طرفین
  - lows of conversion / قوانین تبدیل (ص ۹) / قوانین عکس
  - premiss pairs / جفت‌های قضیه‌ای (ص ۹) / دو مقدمه
  - moods / حدود (ص ۹) / ضروب

**در جهان اسلام گرچه مباحث فلسفی بسیاری پیرامون منطق و معرفت‌شناسی  
در لابه‌لای کتب منطقی و فلسفی می‌توان پیدا کرد، هنوز حتی  
یک کتاب مستقل که مباحث پراکنده فلسفه منطق را یک‌جا گرد آورد،  
تدوین نشده است و در معرفت‌شناسی نیز گام‌های ابتدایی  
در حال برداشته شدن است.**

xii)

برگردان مترجم: سپس این صورت‌بخشی می‌شود (ص ۴):  
برگردان درست: این آکسیوماتیک (اصل موضوعی) کردن باید  
صوری شود.

For from this will become clear both the items  
about which our demonstrations must be concen-  
trated and the items from which they must pro-  
ceed (p. xix-xx).

برگردان مترجم: زیرا در این صورت هم به موضوعات مورد  
بررسی در استدلال خود پی‌می‌بریم و هم به موضوعاتی که برای  
تحقیقات بعدی لازم هستند (ص ۱۳).

برگردان درست: زیرا از این [طریق] هم موردهایی که برهان‌هایمان  
باید بدان [مورد]ها مرتبط باشند آشکار خواهد شد و هم موردهایی  
که آن [برهان]ها از آن [مورد]ها باید پیش روند.

But in that case, knowing simpliciter will not  
have been properly defined (p. 5 = 72 b30-31).

برگردان مترجم: اما در این حالت، درک ویژگی ذاتی به درستی  
تعریف نمی‌شود (ص ۲۸).

برگردان درست: اما در این حالت دانستن به‌نحو مطلق به درستی  
تعریف‌شده نخواهد بود.

Something holds of an item in itself both if it holds  
of it in what it is- e.g. line of triangles and point of  
lines ... (p. 7 = 73a35-36).

برگردان مترجم: چیزی به خودی خود در خصوص چیزی خاص  
صدق می‌کند که هم در خود این چیز همان‌گونه که هست صدق  
کند - به عنوان مثال، خطوط مثلث و نقطه‌های خط... (صص  
۳۰-۲۹).

برگردان درست: چیزی بالذات به موردی تعلق می‌گیرد اگر هم  
در چیستی‌اش بدان تعلق بگیرد- برای نمونه خط به مثلث‌ها و  
نقطه به خطوط...

None the less by nature there are these three  
things: that about which the science conducts its  
proofs, what it proves, and the items from which  
it proves (p. 15-16 = 76b22-23).

برگردان مترجم: در هر حال، این سه مقوله اصولاً باید وجود

- epistemically / از لحاظ هستی‌شناختی (ص ۱۸۲) // از نظر

معرفت‌شناختی

- /sophistical / ظریف (ص ۲۱۳) // مغالطی

- /nominalist account / توصیف صوری (ص ۲۴۸) // شرح

نام‌گرایانه

- /affirmatively / متفاوت (ص ۲۹۶) // به‌گونه‌ای ایجابی

- /specific difference / تفاوت خاص (ص ۳۰۳) // فصل

- /essential / ضروری (ص ۳۰۳) // ذاتی.

۳. مترجم محترم، بسیاری از اسم‌ها را نیز به اشتباه یا خلاف عرف  
اهل فن برگردانده است. ما تنها برخی را پیش می‌کشیم:

- /Frege / گاه فرگ (ص ۸) و گاه فرژ (ص ۴۹۱) // فرگه

- /Galen / گالن (ص ۱۶) // جالینوس

- /Alexander of Aphrodisias / گاه الکساندر

آفرودیسیاس<sup>۳</sup> (ص ۱۶) و گاه اسکندر آفرودیسیاس (ص  
۴۹۱) // اسکندر افرودیسی

- /Anacharsis / گاه آناکارسیس (ص ۴۹) و گاه آناشارسیس  
(ص ۲۳۷) // آناخارسیس

- /Euclid / یوکلید (ص ۱۴۲) // اقلیدس

۴. مترجم محترم گاه به دلیل نفهمیدن معنای متن ... حتی  
واژه‌های غیر تخصصی و عمومی را نیز درست برگردانده است:

- /objections / جملات معترضه (ص ۴۶) // اعتراض‌ها

- /conversion / عکس مستوی (ص ۴۶) // معکوس شدن

- /mathematical / ریاضیات (ص ۴۹) // ریاضیاتی

- /concisely / به‌گونه‌ای دقیق (ص ۶۶) // به‌گونه‌ای مختصر  
و کوتاه

- /higher / کلی‌تر (ص ۷۴) // بالاتر

- /arithmetician / ریاضی‌دان (ص ۲۳۹) // حساب‌دان

- /pace / همان‌گونه که (ص ۲۴۸) // علی‌رغم

- /a part from / علاوه بر (ص ۲۴۸) // جدای از

اشتباه‌هایی از این‌دست در سرتاسر کتاب بسیار تکرار می‌شوند؛  
به‌گونه‌ای که کم‌تر بحثی را می‌توان یافت که معنای محصلی  
از آن فهمیده شود. اینک اندکی از جمله‌های تخصصی و  
حتی غیرتخصصی را که اشتباه یا بد ترجمه شده‌اند، به داوری  
خوانندگان عرضه می‌کنیم:

And the axiomatization is to be formalized (p.

تحلیل ثانوی مهم‌ترین و دشوارترین کتاب منطقی ارسطو، انباشته از مباحث معرفت‌شناختی، منطقی و فلسفه منطق است. کسی که در حد لزوم در این زمینه‌ها ورود نداشته باشد، از فهم کتاب بارنز ناتوان گشته، به هیچ روی نخواهد توانست آن را به زبانی دیگر برگرداند، هر چند زبان انگلیسی را نیز بداند.

برگردان درست: اثبات کردن چستی یک چیز [= این که یک چیز چست] متفاوت است از اثبات کردن این که هست [= اثبات هستی آن].

Q is more familiar than P, perhaps, if I am more prone to assent to Q than to P (p. 97).

برگردان مترجم: ... از Q شناخته شده است که در حرکت صعودی راحت‌تر می‌توانیم به Q برسیم تا به P (ص ۱۶۲).  
برگردان درست: احتمالاً از Q P شناخته شده‌تر است، اگر من در تصدیق Q نسبت به [تصدیق] P مستعدتر باشم.

◇, represents possibility (p. ۱۲۸).

برگردان مترجم: ◇ بیانگر احتمال است (ص ۲۲۰).  
برگردان درست: ◇ نشانه‌ی امکان است.

For some z  $m.n = z^3$  (p. ۱۳۲).

برگردان مترجم: برای برخی از z،  $zm = n = z^3$  (ص ۲۲۶).  
برگردان درست: به ازای یک z،  $z = m.n = z^3$ .

The older commentators identify it as "not-Ba(not-C)"; Ross prefers "not-Ca(not-C)" (p. 145).

برگردان مترجم: مفسران قدیمی، این فرضیه را «غیر C» غیر Ba «معرفی کرده اند، اما راس «غیر C» غیر Ca» را ترجیح می‌دهد (ص ۲۵).

برگردان درست: شارحان قدیمی آن را به صورت "نه چنین است که [Ba(not-C)] [= چنین نیست که هر «ب» نا «ج» است] باز می‌شناسند؛ راس "نه چنین است که [Ca(not-C)] را ترجیح می‌دهد.

... "what a thing/ something/ it is" .... This phrase reads literally "the what is it?" (p. 174).

برگردان مترجم: «چیزی/ یک چیز/ آن چیز چیست؟» معنای تحت اللفظی این عبارت این است: «آن این چیست؟» (ص ۳۰۱)

برگردان درست: ... «آن چه یک چیز/ چیزی/ آن است...» این عبارت به صورت تحت اللفظی یعنی: «آن»، چه چیز معینی است؟»

سرتاسر ترجمه مملو از این اشتباه‌هاست؛ به‌ویژه ترجمه‌ی متن تحلیل پسین. مترجم اگر در برگردانی این بخش به ترجمه‌ی بسیار دقیق ادیب سلطانی یا ترجمه‌ی عربی منطق ارسطو،

داشته باشند؛ علم در خصوص آنها دلایل، آنچه که ثابت می‌شود، و مواردی که به کمک آنها چیزها اثبات می‌گردند را منسجم و معرفی می‌نماید (ص ۴۱).

برگردان درست: با این همه بالطبع این سه چیز وجود دارند: آنچه درباره‌ی آن، علم اثبات‌هایش را جهت می‌دهد؛ آنچه اثبات می‌کند؛ و مواردی که از آنها اثبات می‌کند.

... then the propositions would convert from necessity (p. 19 = 78a8).

برگردان مترجم: ... در این صورت گزاره‌ها دیگر ضروری نخواهند بود (ص ۴۶).

برگردان درست: ... در این صورت گزاره‌ها به ضرورت معکوس می‌شدند.

If the privative is transposed (p. 25 = 80b7).

برگردان مترجم: اگر گزاره‌ای سلبی عکس نقیض باشد (ص ۵۴).  
برگردان درست: اگر [مقدمه] سلبی جابه‌جا شود.

You cannot be more happily related to things of which there is demonstration than by knowing them, nor can you know them without a demonstration (p. 32 = 83b34-36).

برگردان مترجم: بهترین راه درک چیزهایی که استدلال می‌شوند شناختن آنهاست، و نمی‌توان بدون استدلال آنها را شناخت (ص ۶۵).

برگردان درست: در مورد چیزهایی که برای آنها برهان وجود دارد شما نمی‌توانید آنها را به شیوه‌ای بهتر بدانید؛ و نه می‌توانید آنها را بدون برهان بدانید.

... e.g. if a centaur or a god is or is not (p. 48 = 89b34).

برگردان مترجم: به عنوان مثال، این که آیا یک سنتور یا یک خدای دیگر، سنتور یا خدا هست یا خیر (ص ۸۷).

برگردان درست: برای نمونه: آیا قنطورس یا خدایی هست [= وجود دارد] یا نیست [= وجود ندارد].

Proving what something is is different from proving that it is (p. 51 = 90b39).

برگردان مترجم: ثابت کردن این که چیزی خاص چیست با ثابت کردن این که این چیز چنین است فرق می‌کند (ص ۹۱).

برگردان درست: پس برای آن چه اکثراً تعلق می‌گیرد اصول بی‌میانجی‌ای خواهد بود.

Aristotle's illustration has been read as a proof that the angle in a semicircle is a right angle (p. 85-86).

برگردان مترجم: می‌توان توضیحات ارسطو در این بخش را گواهی برای این باور دانست که مجموع زوایای یک نیم‌دایره، یک زاویه قائمه است (ص ۱۴۲).

برگردان درست: مثال توضیحی ارسطو به‌عنوان اثباتی تلقی شده است بر این که زاویه‌ی درون یک نیم‌دایره زاویه‌ی قائمه است. This chapter breaks rudely into the train of thought uniting A 7 and A 9 (p. 132).

برگردان مترجم: این فصل به یکباره به تفکراتی می‌پردازد که آلفا ۷ و آلفا ۹ را به یکدیگر مرتبط می‌سازند (ص ۲۲۷).

برگردان درست: این فصل ناگهان رشته‌ی مطلبی را که A ۷ و A ۹ را به هم می‌پیوندد، می‌گسلد.

The first section of A 11 dispenses with subsistent universals (p. 144).

برگردان مترجم: در نخستین بخش از آلفا ۱۱، هیچ اشاره‌ای به موارد کلی همیشگی نمی‌شود (ص ۲۴۸).

برگردان درست: بخش نخست A ۱۱ کلی‌های جاودانه را غیر ضروری تشخیص می‌دهد.

۱. رک: <http://www.ibna.ir/vdcomqi.2bq1i8laa2.txt>  
۲. برای نمونه برخی را در این‌جا می‌آوریم:

– ارسطو (۱۳ش ۷۸)، ارگانون، ترجمه میر شمس‌الدین ادیب‌سلطانی، تهران: نگاه

– همو (۱۳۷۸)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: طرح نو

– همو (۱۳۷۸)، سماع طبیعی، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: طرح نو  
– همو (۱۳۶۶)، متافیزیک، ترجمه شرف‌الدین خراسانی، تهران: نشر گفتار

– همو (۱۳۶۶)، در باره نفس، ترجمه ع.م.د، تهران: حکمت  
– همو (۱۳۷۹)، در آسمان، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: هرمس

– همو (۱۳۷۷)، در کون و فساد، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

– همو (۱۳۷۱)، فن خطابه، ترجمه پرخیده ملکی، تهران: اقبال  
– همو (۱۳۳۷)، فن شعر، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۳. هرچند برگردان درست همین است، خلاف چیزی است که در طول قرن‌ها جا افتاده است.

۴. بارنز پای‌می‌فشد که این واژه نزد ارسطو هم می‌تواند «در بیش‌تر موارد» را برساند و هم «در بیش‌تر اوقات» را؛ از این‌رو ما نیز کوشیده‌ایم چنین برگردانیم.

که تا حد زیادی با ترجمه‌ی بارنز هماهنگ‌اند، رجوع می‌کرد، اشتباه‌هایش تا حدی کاهش می‌یافت. به هر روی، ما از گزارش و سنجش عبارت‌های پیچیده‌تر و طولانی‌تر در این مختصر صرف نظر می‌کنیم. اینک عبارات و جملات نسبتاً ساده و غیر فنی زیر را مرور می‌کنیم:

(on definition (p. xi

برگردان مترجم: بنا به تعریف (ص ۲).

برگردان درست: «در باب تعریف»

... to seek an explanation of its superficial properties and powers in terms of some underlying structure (p. xiii).

برگردان مترجم: ... یکی از روش‌هایی که شیمی‌دانان هنگام بررسی ماهیت یک ماده به کار می‌گیرند، یافتن علت ویژگی‌های ظاهری و قدرت مولکولی آنها بر اساس ساختار بنیادین است (ص ۴).

همان‌طور که مشاهده می‌شود «قدرت مولکولی» را مترجم از خود افزوده است. برگردان درست‌تر چنین است: «... جست‌وجوی تبیین ویژگی‌ها و نیروهای ظاهری‌اش برحسب ساختاری بنیادین است.»

It must at least answer the old rumblings of

Locke (p. xiii).

برگردان مترجم: این باور حداقل باید ثابت کند که انتظارات همیشگی لاک بی‌مورد فوّه‌اند (ص ۵).

برگردان درست: این [باور] باید حداقل به اشکال‌های کهن لاک پاسخ دهد.

Every triangle has angles equal to two right angles (p. 1 = 71a20).

برگردان مترجم: دو زاویه یک مثلث قائم الزاویه مساوی هستند (ص ۲۲).

برگردان درست: هر مثلثی زوایایی برابر با دو زاویه‌ی قائمه دارد.

Before you are led to the conclusion, i.e. before you are given a deduction, you should perhaps be said to understand it in one way – but in another way not (p. 1 = 71a 25-6).

برگردان مترجم: قبل از این که نتیجه‌ای را در اختیارتان قرار دهند، یعنی قبل از این که یک نتیجه استقرایی را به شما بگویند، باید راه درست نتیجه‌گیری را به شما نشان دهند (ص ۲۳).

برگردان درست: پیش از این که شما به نتیجه رهنمون شوید، یعنی پیش از این که قیاسی به شما داده شود، شاید بایستی گفته شود شما آن‌را به شیوه‌ای می‌فهمید – اما به شیوه‌ای دیگر نه.

For what holds for the most part, then, there will be immediate principles ... (p. 63-64 = 96a18-19).

برگردان مترجم: زیرا اگر چیزی در بیشتر موارد مصداق داشته باشد، اصول بی‌واسطه‌ای خواهیم داشت (ص ۱۰۹).